

آموزش تحلیل سیاسی / عوامل ماندگاری و استمرار انقلاب به روایت رهبر انقلاب^(۳)
خصوصیت دوم، مردمی بودن است. انقلاب‌های دیگر - آنها که حقیقتاً انقلاب بودند - پس از پیروزی خود، اغلب نسبت به مردم بی‌اعتنا شدند. به مجرد این که انقلاب به پیروزی نزدیک شد یا به پیروزی رسید، مردم دیگر هیچ‌کاره شدند و حزب همه‌کاره شد. حزب کمونیست یا هر اسم دیگری که برای حزب حاکم داشتند، هر کاری که خواست بکند، به نام مردم کرد... [اما] انقلاب [اسلامی] بر پایه‌ی اراده و خواست مردم در تشکیل و اداره‌ی حکومت باقی ماند. یعنی پس از پیروزی انقلاب، اهمیت نقش مردم از آنها سلب نشد و به عنوان یک عنصر برای انقلاب باقی ماند. ۶۸/۱۱/۲۰

معاونت سیاسی نمایندگی ولی فقیه در سپاه / سال پنجم / شماره ۷۴۳ / چهارشنبه ۱ اسفند ماه ۱۳۹۷

کنگره در مقابل کاخ سفید

آرمان: براساس قانون اساسی آمریکا هرگاه کنگره در برابر طرح‌های فوری و امنیتی رئیس جمهور مقابله کند و به نوعی مخالفت بورزد، رئیس جمهور با استفاده از اختیاراتی که قانون اساسی به او داده، می‌تواند حالت فوق العاده در سراسر آمریکا اعلام کند و با استفاده از قانون اضطرارهای ملی، در حقیقت اختیارات بیشتری برای اجرای طرح‌های امنیتی خود و حتی نظامی داشته باشد. تاکنون چندین رئیس جمهور هم در گذشته از این قانون استفاده کرده‌اند. به نظر می‌رسد با توجه به تقابلی که کنگره آمریکا در مورد طرح دونالد ترامپ در راستای احداث دیوار بین آمریکا و مکزیک، پیش آمد، رئیس جمهور آمریکا از تمام ظرفیت‌های قانونی خود استفاده کرد و چون کنگره آمریکا نیز برای تامین بودجه این دیوار مخالفت کرده و آن را غیرضروری دانسته لذا رئیس جمهور آمریکا از قانون برقراری حالت فوق العاده در سراسر آمریکا استفاده کرده است. اکنون توپ در زمین کنگره آمریکا قرار دارد و کنگره هم می‌تواند پس از بررسی ضرورت‌های قانونی حالت فوق العاده از اختیارات خود برای استیضاح رئیس جمهور استفاده کند. تاکنون ۱۸ ایالت از ایالت‌های مختلف آمریکا نسبت به قانون وضعیت اضطراری دونالد ترامپ اقامه دعوا کرده‌اند و خواستار لغو فوری حالت اضطراری در این ایالت‌ها شده‌اند. به همین دلیل به نظر می‌رسد که رئیس جمهور آمریکا در آینده با یک چالش قانونی و حقوقی مواجه خواهد شد، زیرا دموکرات‌ها به دلیل استفاده دونالد ترامپ از اختیارات خود، در برابر رئیس جمهور ایستادگی کرده‌اند.

رمزگشایی از تحرکات مرموز پاکستان

ابتکار: طی چند روز گذشته سه تحول مهم باعث شد تا نام پاکستان بیش از هر زمان دیگری در رسانه‌های جمعی جهان انعکاس پیدا کند. این اخبار بنا به اولویت خود مربوط به حادثه تروریستی جاده زاهدان- خاش، سفر پر سر و صدای محمد بن سلمان ولیعهد عربستان به اسلام آباد و نیز بروز مجدد مناقشه جدی میان هند و پاکستان در منطقه کشمیر بود. بررسی نحوه بازیگری پاکستان طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد که استفاده از نیروهای افراطی سهم مهمی در پیشبرد سیاست خارجی در مرزهای این کشور دارد. از سوی دیگر یک سطح تحلیل می‌تواند اینگونه باشد که عربستان سعودی با توجه به جدال نیابتی خود با ایران، گروه‌های ذی نفوذ پاکستانی را با وعده کمک‌های اقتصادی و مالی ترغیب کند تا با کشاندن عوامل تروریستی به مرزهای ایران و تهدید امنیت ملی، در سطوحی توان نظامی، امنیتی و لجستیکی ایران را در

نقاطی به خود مشغول نگه دارد. امری که با توجه به تجربه داعش نشان داده که می‌تواند در مراحل بعدی مانند یک بومرنگ به نقطه کانونی خود بازگشته و تامین کنندگان و بهره‌گیرندگان از این بازی خشونت‌بار را مورد حمله قرار دهد. مقامات ایران علی‌رغم گوشزد کردن حق خود برای محافظت از مرزهای کشور، کانال دیپلماتیک را نیز همچنان باز نگه داشته‌اند. چرا که با وارد شدن به یک درگیری هر چند محدود، امکان بروز تنش‌هایی جدید و ورود بازیگران مختلف به این تنش به هیچ عنوان دور از تصور نخواهد بود. تا به اینجای کار نیز ایران نشان داده که در یک رصد امنیتی موفق به متلاشی کردن و دستگیری تنی چند از عوامل حمله تروریستی به اتوبوس اعضای سپاه پاسداران شده است، اما در موضوع برون‌مرزی به گفته کارشناسان نوعی صبر استراتژیک لازم است تا دامنه این تنش‌ها که به منظور تحریک تهران و حتی دهلی‌نو صورت می‌گیرد، وارد فاز غیر قابل پیش‌بینی و تحولات پیچیده‌تر نشود.

هم تکلیف امریکا و اروپا روشن است و هم تکلیف ایران

جوان: سخنان دیروز نانسی پلوسی، رئیس مجلس نمایندگان امریکا درباره برجام نشان داد که او بیشتر از حفظ برجام، نگران متحدان اروپایی امریکا و به هم خوردن روابط با اروپا است: «من فکر می‌کنم بهتر بود دولت ترامپ قبل از تصمیم‌گیری برای خروج از توافقنامه هسته‌ای و خارج کردن نظامیان امریکایی از سوریه، با متحدانمان نیز مشورت می‌کرد و به دیدگاه‌های آن‌ها احترام می‌گذاشت.» در واقع، آنچه برای رئیس مجلس نمایندگان امریکا به عنوان عضو حزب دموکرات مهم است، ماندن در برجام نیست، بلکه چگونه خارج شدن از آن است.

در روزهای اخیر نیز سخنان ظریف در دفاع از توانایی‌های موشکی ایران و حملاتی که به امریکا داشته است، با تعجب امریکایی‌ها روبه‌رو شده تا جایی که پمپئو گفته است: «بعضی می‌گویند که این آقا (ظریف) میان‌رو است، ولی وقتی کسی امریکا و اسرائیل را به انجام قتل متهم کند، دیگر میان‌رو نیست. این‌ها نشانه‌هایی هستند که آقای ظریف و آقای روحانی به همان اندازه انقلابی هستند که دیگر رهبران نظام جمهوری اسلامی هستند.»

آیا تکلیف اروپا هم روشن است؟ در اینجا باید به نکته دقیقی اشاره کنیم و اینکه اتفاقاً تکلیف اروپا در مقابل برجام بسیار روشن‌تر از امریکا است! و این دلیل منطقی روشنی دارد. اروپا بسیار ضعیف‌تر از امریکا است و معلوم است که نمی‌تواند در آشکارسازی سیاست‌هایش به صراحت امریکا عمل کند. پس آنچه را که در سر دارد در لحاف وزارتتوی سیاست‌ورزی و فریبکاری می‌پيچاند تا بخشی از ضعف خود را با این کارها جبران کند. اگر امریکا از برجام خارج می‌شود و با افتخار عهدشکنی خود را به رخ دنیا می‌کشد، اروپا در حسرت چنین عربده‌کشی‌هایی که یادآور دوران گذشته استعمارگری آن‌ها است، سعی می‌کند خود را متفاوت نشان بدهد. یعنی از برجام خارج نمی‌شود، اما به آن عمل هم نمی‌کند! در واقع همان کار امریکا را می‌کند، اما برای جبران ضعف‌های خود از فریاد کشیدن آن خودداری می‌کند و این یعنی دوبرابر خسارتی است که امریکا با خروج از برجام به ایران زد، یکی خسارت خروج رویه‌ای (دوفاکتو) اروپا از برجام و دیگری نپذیرفتن مسئولیت این خروج! پس تکلیف اروپا برای ما بسیار روشن‌تر از تکلیف امریکا است.

اما آیا تکلیف ایران هم روشن است؟ برخی می‌گویند اظهارات اخیر روحانی و ظریف در دفاع از برنامه موشکی کشور و اشاره به وضعیت جنگی کشور که یک جنگ اقتصادی است، در واقع تلاش برای القای این نکته به مردم است که مشکل فعلی ما موشک‌هاست و همین هم ما را به دامن جنگ اقتصادی برده است! اگر تا این حد بدبین نباشیم و منطقی‌تر بیندیشیم باید بگوییم روحانی و ظریف هم از اینکه در مذاکره دیگری حتی بر سر موشک‌ها بتوانند با امریکا و اروپا به

توافقی پایدار برسند، ناامید شده‌اند و نمی‌خواهند باقیمانده آبروی سیاسی و ملی خود را هم در پای مذاکره دیگری با غرب به زمین بریزند. این هنر اروپا و آمریکا بود که تکلیف ایران را حتی برای کسانی که میانه‌رو می‌نامیدند و به آن‌ها امید بسته بودند، روشن کرد و حالا تکلیف همه روشن است، تکلیف آمریکا، تکلیف اروپا و تکلیف ایران.

ترامپ و تئوری مرد دیوانه

رسالت: یکی از اصلی‌ترین تئوری‌هایی که دونالد ترامپ رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا آن را دنبال می‌کند تئوری مرد دیوانه است. بر این اساس، ترامپ سعی دارد خود را سیاستمداری غیرقابل پیش بینی در حوزه سیاست داخلی و سیاست خارجی آمریکا نشان دهد و از این طریق، دیگر بازیگران بین‌المللی و داخلی را در وضعیتی بی‌ثبات و نگران نگاه دارد. نشریه آتلانتیک در توصیف سیاست خارجی ترامپ می‌نویسد: سال‌ها پیش روزولت در تعریف سیاست خارجی خود گفت: به نرمی حرف زدن و یک چماق بزرگ در دست داشتن. اما اکنون ترامپ این سیاست را تغییر داده و دروغ و ناسزا را جایگزین آن کرده است. در حالی که روسای جمهور پیشین ایالات متحده با احتیاط در خصوص احتمال جنگ با کره شمالی سخن می‌گفتند، ترامپ به راحتی کیم جونگ اون را تهدید به حمله نظامی و اتمی کرده است. همچنین رئیس‌جمهور جنجالی ایالات متحده بر خلاف روند معمول میان‌همتیان اسبق خود، به راحتی اروپا را برای پرداخت هزینه‌های نظامی بیشتر تحت فشار قرار می‌دهد. بسیاری از تحلیلگران مسائل بین‌الملل، تمرکز زیادی بر روی ترامپسم دارند. آتلانتیک در این خصوص نوشته است: نکته‌ای که در اینجا باید به آن توجه داشت این است که در حقیقت، شخصیت ترامپ به مراتب سخنان و سیاست‌های او در سال اول ریاست جمهوری، رادیکالتر است و دلیل اصلی عملی نشدن این سیاست‌ها، توصیه مشاورانی بوده که با رویکرد وی مخالف بوده‌اند، اما چنین می‌نماید که ترامپ دیگر از عمل کردن به توصیه این مشاوران خسته شده است. رویکرد میلیتاریستی ترامپ، متغیر دیگری است که در گزارش آتلانتیک در خصوص رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا مورد استناد و محاسبه قرار گرفته است. محصول این رویکرد، کشمکش داخلی در کاخ سفید بوده است. البته بر اساس گزارش آتلانتیک، هنوز مشخص نیست که نتیجه این کشمکش درون کابینه‌ای به کجا خواهد انجامید، اما می‌توان با اطمینان گفت سیاست خارجی وی رویکردی کاملاً نظامی دارد. دلیل آن هم مشخص است؛ منصوب کردن چهره‌های نظامی در پست‌های بلندپایه، سرمایه‌گذاری‌های سنگین او در حیطه‌های نظامی و در مقابل پایین آوردن قدرت وزارت امور خارجه آمریکا و ... همه و همه نشان‌دهنده این رویکرد میلیتاریستی ترامپ است. ترامپ همانند مایک پمپئو و جان بولتون، معتقد است ایالات متحده باید آماده باشد تا در صورت لزوم حتی به تنهایی و بدون تایید متحدانش وارد عملیات نظامی علیه مخالفان شود. او اقدام نظامی را وسیله‌ای برای حفاظت از منافع ملی می‌داند. به نظر می‌رسد

موتور محرک انقلاب

صبح نو: خبر یکی از مسوولان قرارگاه سازندگی خاتم‌الانبیا درباره توان داخلی تولید بنزین و رساندن این موضوع تا حد صادرات، دوباره نشان داد که مسیر و راه‌حل غلبه بر مشکلات از کجا می‌گذرد. این که در اوج تحریم‌ها و فشارهای متعدد سیاسی و اقتصادی از اقصی نقاط هندسه نظام استکباری بین‌الملل هم می‌شود سراغ کارهای بزرگ رفت و به اهداف بزرگ‌تر نائل شد، به شرطی که راهبران، مسیر را اشتباه نگرفته باشند و دست به وقت و زانوی خود زده باشند و

حساب شده و منطقی و دقیق جلو روند؛ اتفاقی که متأسفانه همزمان با روی کار آمدن دولت یازدهم نیفتاد و ریشه تمام مشکلات کشور در تحریم دیده شد. نگاهی که در امتداد آن راه‌حل مشکل را هم امید به آن سوی مرزهای جغرافیایی ایران تعریف می‌کند و یک جامعه ۸۰ میلیونی را حاشیه بازار سودای کمپانی‌های اقتصادی دنیای سرمایه‌داری می‌بیند که کاری از آن‌ها بر نمی‌آید جز مصرف آنچه که در مغرب‌زمین ساخته و پرداخته شده است. همین می‌شود که با پشت پا زدن به یک قرارداد نه‌چندان محکم، به یک‌باره انگاری دیگر راهی باقی نمانده، جز پایان دادن به حیات انسانی. در همین موقعیت که فریادهای «نمی‌شود؛ نمی‌شود» بلند است، اتفاقاتی مانند آنچه که در سطور ابتدایی این متن رفت، حل مشکل را همان مسیری می‌داند که تا به الآن کار و بار انقلاب و کشور را در فضای جنگ و تحریم و هزار و یک مشکل اقتصادی و بین‌المللی، در عین تعامل با دنیا و همزمان قطع امید کردن از آن، جلو آورده است.

اولین جلسه دادگاه فریدون

وطن امروز: اواسط بهمن‌ماه امسال ۲۰ نماینده مجلس در نامه‌ای به آیت‌الله صادق آملی، خواستار رسیدگی این قوه به اتهامات برادر حسن روحانی، رئیس‌جمهور و همچنین برادر اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور شدند. ارتباط فریدون با یکی از مفسدان بانکی نیز از جمله اتهامات فریدون به شمار می‌رود که پیش از این در متن تذکر تعدادی از نمایندگان مجلس به حسن روحانی نیز مورد اشاره قرار گرفت. ۱۵ دی‌ماه ۱۳۹۵ تعدادی از نمایندگان مجلس در تذکری به حسن روحانی نوشتند مطابق برخی مدارک واصله برادر جنابعالی از یکی از ابربدیهکاران بانکی به نام «ر. د» با بیش از ۴۰ هزار میلیارد ریال بدهی بانکی، به تاریخ ۹۳/۳/۲۵ ملکی به قیمت ۱۴۰ میلیارد ریال واقع در تجریش (از طریق همسر) دریافت کرده است. در ادامه این نامه همچنین از اعمال نظر فریدون برای انتصاب مدیران بانکی گفته شده بود. صدور کیفرخواست و برگزاری دادگاه برادر رئیس‌جمهور یک اتفاق جدید است که می‌تواند گام بلندی در سیاست مبارزه با فساد در سال‌های اخیر در قوه قضائیه باشد. این برای نخستین‌بار است که در طول دوره ریاست‌جمهوری یک فرد، اتهامات نزدیکان او مورد بررسی قضایی قرار می‌گیرد. البته بسیاری اعتقاد دارند دادگاه حسین فریدون باید به صورت علنی برگزار شود تا واقعیت‌ها به صورت شفاف در دسترس‌افکار عمومی قرار گیرد و فرصت هرگونه فرافکنی و شانتاژ گرفته شود. گفتنی است آیت‌الله آملی در ماه‌های اخیر بارها بر عزم دستگاه قضایی برای برخورد قاطع با مفسدان بدون اعتنا به خطوط قرمز خبر داده و تاکید کرده بود: قوه قضائیه به‌رغم محدودیت‌هایی که دارد بدون اغماض به پرونده‌های مفاسد ورود کرده و هیچ‌گونه خط قرمز توهمی را قبول ندارد.

